

حقوق بشر در گفتمان دکترین مهدویت

سید محمدرضا میرصانع^۱

سیدباقر میرعباسی^۲

مریم مرادی^۳

طه موسوی میرکلایی^۴

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی حقوق بشر در گفتمان دکترین مهدویت می‌باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. در پاسخ به سؤال اصلی که جایگاه حقوق بشر در گفتمان دکترین مهدویت چیست؟ می‌توان بیان کرد که دکترین مهدویت بر کرامت ارزشی یا اکتسابی بشر تأکید بیشتری دارند، اما اعلامیه جهانی حقوق بشر به جهت جلوگیری ایجاد اختلاف با دیدگاه کشورهای سکولار از پذیرش ذاتی بودن کرامت پرهیز می‌کند. اعتقاد به تحقق حقوقی چون برابری و مساوات و عدالت و امنیت و آسودگی باعث جهان‌شمولی و هیجان برانگیزی و آرمان‌ساز بودن مهدویت شده است که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در ۳۰ ماده اعلامیه حقوق بشر در جهت آرمان مشترک جهانیان برای توسعه حقوق و آزادی‌های انسانها اعلام شد. در نهایت اینکه در عصر ظهور هیچ فردی از شمول «حقوق بشر» خارج نیست و اعتقاد به مهدی (عج) تنها نشان‌گر يك باور اسلامی، با رنگ خاص دینی نیست بلکه خواسته‌ی همه انسان‌ها با مذاهب گوناگون در قالب الهام فطری مردم است. **واژگان کلیدی:** دکترین مهدویت، حقوق بشر، حقوق بین الملل، حقوق بشر اسلامی، حقوق بشر بین المللی

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

۲. استاد گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mirabbasi@ut.ac.ir

۳. استادیار حقوق بین‌الملل خصوصی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

۴. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

مقدمه

مباحث مربوط به دکترین مهدویت از مباحث نوین یاد در عرصه علوم اسلامی است که مشابهت ظاهری مبانی حقوق بشری دکترین مهدویت با برخی مبانی حقوق بشری در نظام حقوق بین الملل، مقایسه و تطبیق میان این دو را اجتناب ناپذیر می‌سازد چنین مقایسه‌ای از یک سو نتیجه خصوصیت کنکاش‌گر ذهن است و از سوی دیگر می‌تواند هم واجد آثاری نظری و هم متضمن آثاری کاربردی باشد (پورسید آقایی، ۱۳۸۰: ۲۰۷). بحث مربوط به تقابل یا همخوانی مهدویت با حقوق بشر بخشی مهم در زمینه حقوق بشر بین الملل و حقوق بشر اسلامی است (ارفعی، ۱۳۷۲: ۹۹). لیکن چالشی که فرا روی بحث مهدویت و حقوق بشر است سازگاری این دو و یا به دیگر سخن تعامل اسلام و حقوق بشر است (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۴۳). گزاره‌ی دین بر محور عبودیت و بندگی دایر مدار است و لذا شخصیت، آزادی و انتخابی برای انسان باقی نگذاشته است و او را به حدّ رقیت و بندگی تنزل می‌دهد. در آن سو، حقوق بشر که پس از قرون ۱۷ و ۱۸ از ریشه‌های حقوق طبیعی خود خارج شده و بر محور فرد و نفع فردی می‌گردد، خصوصاً در دوران مدرنیته و پست مدرنیسم کنونی با تکلیف و تسلیم در برابر فرد و نهاد خاص آشتی نداشته و سر ناسازگاری طی می‌کند (ابراهیم، ۱۳۹۱: ۷۹). آنچه که در این میان مطرح است و بحث اصلی این مقاله نیز می‌باشد انطباق این دو مهم است که نگارنده به دنبال آن است که مبانی حقوق بشری دکترین مهدویت را در مقایسه با مبانی نظام حقوق بین الملل در قالب نظام حقوق بشر اسلامی بررسی کند، چرا که جا دارد نسبت به این حوزه، اهتمام جدی صورت پذیرد تا امکان ارائه راهکارهای علمی و عملی در زمینه گسترش مباحث مهدویت و حقوق بشر اسلامی فراهم آید (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۴۳). ناگفته نماند که پراکندگی مباحث مذکور در کتب تفسیری، روایی و فقهی، پژوهش در این عرصه را با مشکلاتی مواجه ساخته است، اما با تأمل و تفقه در کتب معتبر، می‌توان روابط بین الملل اسلامی را تبیین نمود. مشکلی که در بازپایی و بررسی مجدد عبارات دکترین مهدویت وجود دارد این است که اصطلاحات مذکور در آن کتب، بر اساس منابع استنباطی رایج در آن زمان است؛ با پدید آمدن افق‌های تازه و گسترده‌تر در فقه و حقوق بین الملل، به ویژه در عرصه روابط بین الملل، ضروری است اصطلاحاتی مورد استفاده قرار گیرد که با مباحث جدید مطابقت داشته باشد و ابعاد گوناگون آن را دربر گرفته باشد؛ زیرا شناخت این گونه اصطلاحات به فهم بهتر این مباحث

کمک شایانی خواهد نمود و محقق را نسبت به زوایای بحث آشنا خواهد ساخت.

۱. دکترین مهدویت

کلمه دکترین در معنای نخست (اعتقاد و باور به یک حقیقت) دارای ساختار فلسفی است، اما در معنای دوم (آموزه) جنبه عملی آن بیش تر است. بعضی از مؤلفه‌های دینی دارای محوریت است و از آن‌ها به آموزه‌های اعتقادی یا «دکترین» تعبیر می‌شود. ترکیب و کاربرد اصطلاح «دکترین» به عنوان پیشوند «مهدویت» بیانگر بنیادهای فکری- عقیدتی موضوع مهدویت و القاکننده نقش استراتژیک و راهبردی آن است (صمدی، ۱۳۹۴: ۴۷). منظور از دکترین مهدویت مجموعه آموزه‌هایی است که بر محور مهدویت می‌باشد و می‌توان از آن آموزه‌ها، چه پیش از عصر ظهور و چه پس از عصر ظهور، در ارائه راه حل‌های کاربردی و طرح نظریه‌های راهبردی در حوزه‌های متفاوت، استفاده نمود. در تفکر و نظام فکری مسلمانان، دکترین مهدویت شاخصی انسجام بخش و سامان دهنده است که در بسیاری از نظریه پردازی‌ها و ارائه الگوهای فکری می‌تواند حضور داشته باشد (ربانی، ۱۳۹۶: ۵۶). از کارکردهای عملی و راهبردی دکترین مهدویت این است که با این که مسأله امامت و خلافت از آسیب پذیرترین و اختلافی‌ترین موضوعات در تاریخ اندیشه فریقین شمرده می‌شود و اختلافات مذاهب اسلامی با یکدیگر در نخستین امام و خلیفه موجب دسته بندی‌های مذهبی شده است، اما این اختلافات با آمدن و ظهور آخرین امام و خلیفه یعنی امام مهدی (عج) به یک اتفاق نظر و وحدت منجر خواهد گشت، گویی سرانجام تمامی فرقه‌های اسلامی با ظهور مهدوی یا دکترین مهدویت به اتحادی اعتقادی تبدیل خواهد شد و همه مسلمانان بر سر سفره نبوی با قرائتی مهدوی با یکدیگر دست دوستی خواهند داد و به پرستش خداوند خواهند پرداخت. در واقع به تعبیر قرآن امام مهدی (عج) تجلی بخش بازگشت همه امور به خداوند خواهد بود و همه انسان‌ها را به یک امت تبدیل خواهد نمود (مطهری، ۱۳۹۶: ۸۶).

از کارکردهای مهدویت گرایی این است که تمامی قرائت‌های رسمی و غیر رسمی از مذاهب و ادیان با ظهور مهدوی تصحیح خواهد شد و ظهور ایشان ارمغان آور تفسیری وحیانی و مطابق با منطق وحیانی تمامی انبیای پیشین می‌باشد که به اختلافات مذهبی پایان خواهد داد. بنابراین، ادبیات و فرهنگ مهدوی مدخلی است که تمامی اعتقادات اسلامی و حتی نظام اعتقادی دیگر

ادیان از آن منظر نگریده می‌شود و در عین حال که مهدویت قسمی دیگر اعتقادات همچون توحید، نبوت، معاد و امثال آن است، اما شاخصه مهمی دارد که آن را حتی از نبوت رسولان ممتاز می‌سازد و به آن، شایستگی احراز جایگاه يك دکترین جهانی را می‌دهد و آن تمامیت بخشی و تکمیل کارکردهای تمامی انبیا در طول تاریخ بشر، به وحدت رساندن تمامی آموزه‌های ادیان گذشته، تفسیر خالص و توانا از اعتقادات دینی و قطعی بودن تحقق این ایده آل و آرمان دینی است (صادقی تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

۲. حقوق بشر

حق عبارت است از مجموعه شرایطی که به موجب آن گزینش يك نفر می‌تواند طبق قانون کلی اختیار با گزینش فرد دیگری متحد شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۷۵). اصطلاح حقوق بشر، نسبتاً جدید است و فقط پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد محاورات روزمره شده است. این عبارت جایگزین اصطلاح «حقوق طبیعی» و «حقوق انسان» گردیده که قدمتی بیشتر دارند. منظور از حقوق بشر چیست؟ مشکلی که در تعریف حقوق بشر وجود دارد ناشی از مفهوم و ماهیت «حقوق» است که مناقشات فراوانی در میان فلاسفه حقوق برانگیخته است (مهرپور، ۱۳۹۸: ۷۲).

آموزه‌های اخلاقی حقوق بشر معطوف به تشخیص پیش شرط‌های پایه‌ای است که هر انسانی برای حداقل زیست به آن نیاز دارد. حقوق بشر هم معطوف به پیش شرط‌های منفی و هم پیش شرط‌های مثبت کمینه‌ای است، که لازمه یک زندگی خوب است؛ مانند حقوق منع شکنجه و حق برخورداری از سلامت. توجیه ملاحظات اخلاقی همیشه مقدم بر ملاحظات ملی است (مرون، ۱۳۸۲: ۱۵۵). حقوق جمع حق است و آن اختیاری است که قانون برای فرد شناخته شده که بتواند عملی را انجام و یا آن را ترک نماید (مهرپور، ۱۳۹۸: ۱۴۹). حقوق بشر آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردار است.

در تعریفی دیگر حقوق بشر تضمین‌های اخلاقی پایه‌ای انگاشته می‌شوند که مردم در همه کشورها و فرهنگ‌ها، به صرف انسان بودنشان باید از آنها برخوردار باشند. اینکه این تضمین‌ها "حقوق" خوانده شده‌اند بدان معناست که همه افراد، جوای آن تعلق می‌گیرند. دارای اولویت

بالایی هستند و اجابت آنها اجباری است و نه اختیاری، اغلب حقوق بشر را جهان شمول می‌انگارند، به این معنا که همه افراد از آن برخوردارند. و باید برخوردار باشند. این حقوق مستقل دانسته می‌شوند، به این معنا که فارغ از اینکه توسط نظام قانونی و رسمی یک کشور به رسمیت شناخته شوند یا به اجرا درآیند و یا نه وجود دارند. به‌رغم آنکه واژه «حقوق بشر» بصورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما تعریف آن دشوار می‌نماید. به بیان کلی حقوق بشر حقوقی بنیادین و انتقال‌ناپذیر است که برای حیات نوع بشر اساسی تلقی می‌شود (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۷: ۶۷).

با وجود این، در مورد اینکه محتوای این حقوق چیست، اتفاق نظر وجود ندارد. اغلب به آسانی می‌توان دریافت که منظور از حقوق بشر دستیابی به مفهوم و محتوای آن، یعنی حمایت فرد در مقابل سوء استفاده از اقتدار دولت است تا اینکه صرفاً تعریف آن مطمح نظر باشد. از این رو، تعریفی از حقوق بشر، که مورد پذیرش عمومی باشد، ارائه نشده و این امر خود مشکلی بر سر راه تنظیم بین‌المللی آن محسوب می‌شود. حقوق بشر بیش از هر موضوع دیگر تمایز بین جهان شمولی و نسبی‌گرایی فرهنگی را به تصویر می‌کشد. جهان‌شمولی وضعیت مورد تاکید کنفرانس جهانی ژوئن ۱۹۹۳ سازمان ملل درباره حقوق بشر (کنفرانس وین) را منعکس می‌نماید. نظریه نسبی‌گرایی مبین آن است که حقوق بشر در یک کشور با کشوری دیگر که بر اساس ارزشها، سنت‌های مذهبی و فرهنگی دیگری شکل گرفته متفاوت می‌نماید (والاس، ۱۳۹۰: ۲۷۹).

۳. معیارها و شاخص‌های حقوق بشر و مهدویت

۱) جهان‌شمولی: منظور از جهان‌شمولی حقوق بشر این است که به‌طور نامشروط، به همه انسان‌ها، در سراسر گیتی تعلق می‌گیرد. همه آن‌ها که اکنون زندگی می‌کنند و آن‌ها که در آینده خواهند آمد، از این حقوق برخوردارند. مبنای حقوق بشر احترام و کرامت ذاتی انسان است. چون مبنای حقوق بشر غیرقابل سلب و تفویض است، لذا همه انسان‌ها از این حقوق در مقابل دیگران برخوردارند. از طرف دیگر، جهان‌شمولی حقوق بشر در عصر ظهور به این معنا نیست که در یک مقدمه و ۳۰ ماده، حقوقی به‌طور نامشروط به همه انسان‌ها در سراسر گیتی تعلق می‌گیرد و همه آن‌ها که اکنون زندگی می‌کنند و آن‌ها که در آینده خواهند

آمد، از این حقوق برخوردارند، بلکه به این معناست که برابری و مساوات در برابر قانون و عدالت و امنیت و مشارکت، همه زندگی مردم را در بر می‌گیرد. آنچه در لباس استدلال و ظرف ذهن برای بشر اثبات می‌شود، اکنون در عالم خارج برای عموم انسان‌ها تحقق می‌یابد. (موسوی‌گیلانی، ۱۳۹۴: ۶۱). باید این مطلب را مؤکداً بیان کرد که در عصر ظهور، ضعف‌ها و ایرادات و نواقص جدی که در طول تاریخ بشریت وجود داشتند و دارند، از بین می‌روند و جهانی از عدل و داد شکل می‌گیرد و مطالب مثبت اعلامیه جهانی حقوق بشر، که مورد تأیید دین مبین اسلام است، تحقق واقعی و عینی می‌یابد.

۲) **تخلف‌ناپذیری:** منظور از «تخلف‌ناپذیری» این است که هیچ‌یک از افراد انسان از شمول «حقوق بشر» خارج نیست؛ تعداد افراد بشر در هر زمان به هر میزان باشد، تعداد افرادی که مشمول مواد اعلامیه حقوق بشرند، تمام افراد خواهد بود و بین این دو مجموعه تساوی برقرار است. شاخص مهدویت نیز درست به همان معناست که در «حقوق بشر» گفتیم.

۳) **اختلاف‌ناپذیری:** منظور از اختلاف‌ناپذیری این است که هیچ‌یک از افراد انسان شدیدتر یا ضعیف‌تر از دیگران مشمول «حقوق بشر» نیست، بلکه همه به صورت یکسان مشمول این قانون‌اند. بنابراین، نمی‌توان گفت فرد یا افراد خاصی نسبت به «حقوق بشر» بر دیگران تقدم و اولویت دارند؛ درست به همان معنا که در «حقوق بشر» گفتیم. یعنی در عصر ظهور، هیچ‌یک از افراد انسان شدیدتر یا ضعیف‌تر از دیگران مشمول «حقوق بشر» نیست. بلکه همه به صورت یکسان مشمول این قانون‌اند. تعدد دو کلمه «قسط» و «عدل» در این روایت، نکته مهمی به همراه دارد. برخی گفته‌اند «قسط» به معنای «عدم تبعیض» است. بنابراین، در عصر ظهور، هم عدالت برپاست و هم تبعیض وجود ندارد. البته برخی هم گفته‌اند قسط و عدل در این خبر همچون ظلم و جور متقارب هستند و فقط برای تفسیر یکدیگر ذکر شده‌اند. موسوی‌گیلانی، ۱۳۹۴: ۶۱). اما موضوع مهم این است که به هر حال بدانیم، قسط و عدل به معنای واقعی در عصر ظهور در جهان برقرار می‌شوند. یعنی چه در زمینه‌های زندگی مادی بشر و چه معنوی، هیچ تبعیضی نیست. نه اینکه تفاوت نباشد که واضح است این دو معنی کاملاً متفاوتی دارند.

۳-۱. رابطه مؤلفه‌های اصلی آموزه مهدویت و حقوق بشر

جریان مهدویت و قیام فردی عدالت‌گستر از خاندان پیامبر، با عنوان و لقب قائم و «مهدی»، در اعتقاد شیعیان و پیروان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) برخاسته از روایات فراوان رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره مهدی موعود است که اندیشه مهدویت و انتظار قیام مهدی را در میان شیعیان به‌وجود آورده است (مهرپور، ۱۳۹۸: ۶۷). مؤلفه‌های انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی آموزه مهدویت ابعاد مختلفی دارد؛ مفاهیمی چون غیبت و انتظار و عقایدی همچون ظهور منجی بشریت، حضرت مهدی (عج) و حاکمیت دین واحد در میان مردم و تبدیل ترس و هراس بشر به امنیت و آسودگی و رفاه، و نابودی ظلم و جور و تحقق عدالت آنچه «مهدویت» را جهان‌شمول و هیجان‌برانگیز و آرمان‌ساز کرده، اعتقاد به تحقق حقوقی چون برابری و مساوات و عدالت و امنیت و آسودگی است. حقوقی که بر پایه «کرامت انسان» از بدو خلقت تا کنون برای هر فرد متصور شده است. این موارد از مؤلفه‌های انسان‌شناختی مهدویت به‌شمار می‌روند. استراتژی انتظار که برگرفته از مؤلفه‌های آموزه‌های مهدویت است، سه ویژگی مهم را دربردارد. اصلاح نفس، امید به آینده و عامل سرزندگی، شادابی و کوشش افزون و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی مهدویت شامل زمینه‌سازی ظهور، مهدوی‌نگری، فرهنگ‌سازی مهدوی و آینده‌پژوهی مهدوی است. مهدویت به‌عنوان یک دکترین می‌تواند پاسخگویی مسائل بشر امروزی باشد. مؤلفه‌های حقوق بشر و توجه روزافزون به مفهوم بشریت از سوی دکترین و بسیاری از کنوانسیون‌ها و معاهدات حقوق بشری، جایگاه رفیع انسان را در دنیای معاصر بیش از پیش برای ما مبرهن می‌سازد. حوزه‌های فراوانی مفهوم بشریت در آن مطرح شده است. این حوزه از طریق شناسایی مؤلفه‌های زندگی اجتماعی و ارزش‌های انسانی، در جست‌وجوی آن است که به وسیله تعلیم بسیاری از رفتارهای ناقص ارزش‌های انسانی، جایگاه انسان را به‌عنوان اشرف کائنات، به منزلتی اعتلا یافته ارتقا دهد. به همین دلیل می‌توان قائل به آن شد که مفهوم بشریت در حقوق بشر از طریق جلوگیری از تعرض به ارزش‌های انسانی تجلی یافته است. به‌عبارت دیگر، مفهوم بشریت در حقوق بشر از اساسی‌ترین ارزش‌های انسانی و متعالی‌ترین جنبه‌های تکریم انسان سرچشمه گرفته که مبنای آن را باید در کرامت ذاتی انسان و ندای درونی وجدان بشری یافت (زمانی، ۱۳۸۶: ۲۸).

۴-۲. جایگاه حقوق بشر در عصر مهدوی

یکی از اموری که در جوامع روایی و متون شیعه و سنی به تواتر ذکر شده و فریقین بر آن اتفاق نظر دارند، ظهور مهدی (عج) است؛ کسی که حقوق مسلم انسان را مثل برابری و مساوات و عدالت و رفاه و امنیت اجتماعی و شخصی، براساس ایمان به خدا و احکام ناب اسلام برقرار می‌کند و مردم دنیا را از چنگال ستمکاران و جباران و استعمارگران نجات می‌دهد. فریقین (شیعه و سنی) این را وعده الهی می‌دانند که تخلف‌ناپذیر است. دنیا به طرف عصر ظهور در حرکت است. حق مالکیت و امنیت اجتماعی که از مطالبات هر فرد محسوب می‌شود، در این اخبار از صیانت خاصی برخوردار است (مطهری، ۱۳۹۷: ۵۰۳). تخلف‌پذیری حقوق بشر در مفهوم عدالت در مقابل عدالت در اندیشه مهدویت در اینجا نمایان می‌شود که میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به دولت‌ها اجازه می‌دهند در صورت بروز یک خطر عمومی استثنائی که موجودیت ملت را تهدید می‌کند، تدابیری خارج از الزامات مقرر در حقوق بشر را اتخاذ نمایند.

۴. حقوق بشر در گفتمان مهدویت

اسلام به عنوان آخرین دین الهی و نظر شیعه یعنی گفتمان مهدویت که موضوع این نوشتار است؛ در بحبویه ملاحم و بلائی مشترک که بی توجه به مرزهای جغرافیایی و نظریات سیاسی و حاکمیتی همه را به آغوش خطر می‌گیرد، کدام یک حافظ حقوق بنیادین بشر بوده و وحشت را از بشریت دور کرده است؟ هر کدام از این نظریات تجربه محقق در تاریخ دور و نزدیک دارند. آنچه تحت عنوان مهدویت مطرح می‌گردد یک ادعای تجربه نشده نیست بلکه این نظریه مهم در حکومت‌مداری و تمامی شئون زندگی بشر شیوه تکامل یافته حکومت علوی در اصول مهم و حقوق بنیادین برای همه بشریت نظیر برقراری عدل و قسط به گستره کل جهان، حاکمیت امنیت و صلح عمومی شکوفایی اوضاع اقتصادی، برقراری و اجرا احکام الهی و فطری، شکوفایی علم و جوشش حکمت و تکامل عقول بشری و حاکمیت مستضعفان و موحدان بر روی زمین تئوری متفاوت شیعه و طرحی برای سامان دهی کل جهان می‌باشد (هاشمی میاندشتی، ۱۳۹۵: ۳). بارزترین ویژگی جهانی دولت کریمه، ولی عصر (عج) گسترش قسط و عدل است که در روایات متعدد به آن پرداخته شده است و این نشان از برجستگی این مهم در مدینه فاضله

اسلامی در دوران ظهور است. بشر با ناکارآمدی شعارها و ادعاهای جذاب حقوق بشری لیبرال دموکراسی غرب مواجه شده است. عدالت و قسط قربانی حق و تو، حقوق بنیادین نظیر حق بر سلامت حق حیات، حق دسترسی به اطلاعات و تعاملات علمی دستخوش بهانه‌جویی و تحریم و نقض می‌گردد (منتظری، ۱۳۹۴: ۱۱۴). کنوانسیون‌های حقوقی و حمایتی، حق بر حداقل‌های برخورداری از رفاه اجتماعی، حق برخورداری از نظام عادلانه قضایی، عدالت اقتصادی، حق بر آگاهی و انتخاب واقعی ارزش‌ها در سایه دیکتاتوری مدرن سنت‌های لائیسسته و لیبرالیسم، تزییع شده‌اند؛ برجستگی مفهوم عدالت در مدینه فاضله اسلامی و مهدوی ضمانت تحقق حقوق بنیادین بشر می‌باشد.

۴-۱. عدالت و دادگری در گفتمان مهدویت

حسب روایات همچون گرما و سرما در درون خانه‌های مردمان نفوذ می‌کند و به مأمون و مسکن وجود آنان سامان می‌دهد. در سایه این عدالت هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی‌ماند و حقوق به یغما رفته انسان‌ها به آن‌ها باز می‌گردد و این نمی‌تواند محقق گردد مگر اینکه چه کسی مجری این سیستم باشد هم به عنوان مهمترین مؤلفه مورد توجه واقع گردد کسی که خود عدل نامیده می‌شود (ظهیری، ۱۳۸۵: ۵۶). قیام امام مهدی (عج) نقطه غلیان تاریخ و شوک بزرگ تاریخی است که علیه تمامی استکبار و ستمگران جهانی با هدف گشودن راه تنفس بشریت محروم وارد می‌شود و البته نه فقط راه تنفس بلکه ایشان راه تعقل را هم برای بشری که با جنگ نرم افزاری و ابزار سایبری فرصت اندیشیدن را از او سلب کرده‌اند باز می‌کند و این آزادی واقعی فکری و اندیشه‌ای است که تحت پوشش هنجارهای به ظاهر موافق آزادی بشر در نظام بین الملل به اسارت قدرت‌های مسلط بر ثروت‌های مادی و معنوی بشر مظلوم‌ترین حق او است. بخش‌های عظیمی از ظرفیت بالقوه تعقل و عقلانیت بشر تا قبل از ظهور ایشان تعطیل است و وقتی که امام (عج) بیابند عقلانیت، تازه فعلیت پیدا می‌کند و امام مخالفان و دشمنان ((عقل)) و ((عدل)) هر دو را یک جا بر سر جای خود خواهند نشاند. امام مهدی بازار عقلانیت و عدالت را توأمان رونق می‌دهد و این دو را از هم تفکیک نمی‌کند، چون نمی‌توان عدالت را جدا از عقل به درستی فهمید و معنا و اجرا کرد و نمی‌توان عقل و عقلانیت غیر معطوف به عدالت را عقل سالم و به معنای واقعی کلمه دانست. عدالت مفهوم تازه‌ای در اندیشه حکومت‌داری اسلامی نیست که عدالت محوری

اصل اول سیاست‌ها و اصول خدشه ناپذیر علوی بود که به قول آقای «جرج جرداق» الامام علی صوت العدالة الانسانیه و قتل علی لشدہ عدله (هاشمی میاندشتی، ۱۳۹۵: ۷).

۴-۲. امنیت و صلح عمومی

امنیت از مهم‌ترین نیازهای اساسی بشر در هرم نیازهای وی و در اندیشه بشر به عنوان یک حق بنیادین اساسی سازی و هنجارسازی شده است. امنیت در تمامی مقوله‌ها؛ امنیت اخلاقی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، خانوادگی، در حجم زیادی از روایات ظهور آمده مدینه فاضله اسلامی، شهر امن و سلام است. در نظام‌های سیاسی و حکومتی با نظریه‌های مطرح بشر کماکان به حقوق خود نرسیده است (منتظری، ۱۳۹۴: ۱۲۴). حق بر سلامت و حق حیات را در تفکر اومانیستی و تفکر منفعت‌طلبانه، در غیر انسانی‌ترین شکل ممکن در مهد دموکراسی و آزادی با معیار قرار دادن سن تضییع می‌کنند. تعداد فقرا و گرسنگان و کودکان بی خانمان و بی سرپرست قربانی جنگ‌ها فقط و حمایت از آن‌ها فقط در تهیه و تدوین کنوانسیون‌های حقوقی بوده و نتوانستند حق حیات و امنیت اقتصادی، خانوادگی و حقوقی را تضمین کند و کارآمدی آن‌ها را در پاندمی کرونا در معرض ارزیابی قرار داد. وقت آن است وعده مشترک همه ادیان موعودی که بشارت سعادت و آرامش و امنیت اقتصادی حقوقی، اخلاقی و اجتماعی را داده است، از خداوند مطالبه کرد، و تمنای آمدنش را برای اداره صحیح عالم درخواست کنند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۷: ۹۴).

امام مهدی برای استقرار امنیت که همه بشریت در دنیای امروز به دنبال آن هستند و نمی‌یابند یعنی امنیت جهانی را با محبت برقرار می‌کند. در اندیشه اسلامی و گفتمان مهدویت حقوق بشر و نظام مناسبات حاکم بر آن بدون تبعیض به دست موعود مورد انتظار همه ادیان محقق خواهد شد. رفاه اقتصادی و پیشرفت تکنولوژی در حکومت جهانی و نظام مهدوی به عنوان تکلیف حکومت و حق اساسی انسان‌ها به رسمیت شناخته شده است. در سایه سار مدیریت توحیدی و عدالت محور، مبتنی بر علم و عقلانیت زمین‌ها آباد و حاصل خیز و معادن ظاهر می‌شود و به طور عادلانه در اختیار بشر قرار می‌گیرد و مفاهیم و ارزش‌های انسانی در قله کلام آن حضرت موضوعیت دارد. انسان‌ها خطاب می‌شوند بیایید و این اموال را بگیرید این تمام آن چیزی است که حق حیات را به خاطر آن سلب می‌کردید و حق کرامت انسانی را هتک می‌نمودید و حاکم

مهربان که تمامی شهروندان خود را از نزدیکترین تا اقصا نقاط عالم دوست دارد و زمامداری که مردمانش را دوست دارد انسان‌ها عادلانه از تمام حقوق انسانی بهره‌مند می‌شوند. تکامل عقول بشری از جایگاه ویژه‌ای در گفتمان و نظام مهدوی برخوردار است، چون که برای اجرای عدالت به انسان‌ها عاقلی که گفتگو کنند و حقیقت هر تصمیمی را بتوانند درک کنند ضرورت غیر قابل اغماض می‌باشد (راسل، ۱۳۹۹: ۱۸۶).

حدیث ۲۱ کتاب اصول کافی مبحث کتاب العقل می‌فرماید: مهدی به تأیید الهی، خردهای مردمان را به کمال می‌رساند و در همگان فرزاندگی آورد؛ و این حق بنیادین بشر در بهره‌مندی از آموزش بدون تبعیض می‌باشد. به همه مردم حکمت و علم آموزش داده می‌شود و رمز توانایی بشر را اسلام در همین مهم می‌داند (خبرگزاری میزان، ۱۹ فروردین ۱۳۹۹). در خطبه ۱۸۲ حضرت علی (ع) می‌فرمایند: زره دانش بر تن دارد و با تمامی آداب و با توجه به معرفت کامل آن را فرا گرفته است، حکمت گمشده او است که همواره در جستجوی آن می‌باشد. حکمت و دانش ویژگی مهم زمامدار اسلامی است چرا که ذیل مدیریت علمی همه حقوق انسانی محقق می‌گردد. مدینه فاضله اسلامی، مدینه العلم است و دانایی و فرزاندگی بدیل جهل و نادانی می‌گردد و این همان حق بنیادین شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات و البته علوم است. هر چه جامعه از حیث علم و عقل در سطح بالاتری قرار می‌گیرد قوانین سازنده و بسیار متعالی در آن امکان بیشتری خواهد داشت (منتظری، ۱۳۹۴: ۱۲۴). مؤلفه‌های حکومت مهدوی و گفتمان مهدوی همه حقوق بنیادین بشر می‌باشد؛ و از شهر اخلاق، قانون و عدالت سخن گفته شد شهروندان مثل ربات نمی‌باشند که اکنون در بعضی کشورها نظم قانونی ظاهری دیده می‌شود. در نگاه و گفتمان مهدوی مردم هم عصبانی می‌شوند هم نیاز به نان و خانه دارند و هم حق مطالعه و تفریح دارند. شهری واقعی با مردمانی واقعی است. هنر امام مهدی است که با سامان دهی آن‌ها در مسیر کمال و سعادت بشر و عدالت بدون آنکه غرائض آن‌ها را ریشه کن کند به کار خواهد گرفت. جامعه مهدوی جامعه بسته و رعب‌انگیز نیست که مردمان آن را از پلیس‌های زیاد آن بترسانند. اگر خداوند بشارت آمدن منجی را نمی‌داد با شرح آن چه در تاریخ نسبت به مولی‌الموحدین علی (ع) و مدت شیرین حکومت ایشان ثبت و ضبط شده است از عدالت به دور بود و رعایت حقوق بشر به اعلی درجه آن در حکومت نیمه تمام امام علی اتفاق افتاده است تردید جدی به وجود می‌آید. امروز ادیان توحیدی در نقطه و پیچ تاریخی تکلیف دینی خود در خصوص آگاهی

دادن نسبت به وعده منجی که همه حقوق بشر را استیفاء و مستقر می‌کند، قرارداد است. بشریت وحشت زده از کرونا و ویروس، همه وعده‌هایی که لیبرال دموکراسی داد با این حقیقت روبرو شد در شرایط سخت او را تنها گذاشته‌اند. حقوق بشر بدون آمدن منجی ضمانتی برای اجرا ندارد و می‌توان در جاهایی آن را حقوق دانست، اما بی بشر (مهرپور، ۱۳۹۸: ۷۶).

۵. حقوق بشر در حکومت مهدوی (عج)

با توجه به آموزه‌های اسلام و حقوق و تکالیفی که برای بشر ارائه داده است و واگذاری این دین به ائمه (علیهم السلام) برای احقاق حق مردم و برقراری حقوق آن‌ها، هم اینک منتظر مصلحی هستیم که اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) را به معنای حقیقی کلمه در جهان بر پا کند و خط بطلانی بر تمام مکاتب و فلسفه‌های غربی بکشد و مواردی را که در اعلامیه باعث از بین رفتن حقوق مستضعفان شده را حذف نماید و اصلاحات کاربردی را ارائه نماید (محمودی کیا، ۱۴۰۰). در حکومت امام مهدی (علیه السلام) نظم غلط بشری هر جا که باشد به دور انداخته می‌شود و نظم الهی برقرار خواهد شد. و اما موارد رعایت حقوق بشر در زمان حکومت اما زمان (عج) شامل موارد زیر است:

۱) عدل یعنی گذاشتن و قرار دادن هر چیزی در جای خود و یا دادن حق هر کس و هر چیزی به او و در احادیث آمده است که امام زمان (علیه السلام) جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد و این به این معناست که آن حضرت، عدالت طبیعی و اجتماعی را برقرار و جامعه، جهان، و روابط بشری را بازسازی خواهد کرد. مثلاً در باب ثروت‌های ملی و عمومی که حق همه است روایاتی داریم که امام قائم (علیه السلام) آن را از دست متجاوزان و غاصبان گرفته و میان همه مردم به طور مساوی یا به هر صورت که عدل باشد تقسیم خواهد کرد یا این که احکام واقعی خداوند را بیان خواهد کرد. حکومتی مصداق عدل است که امام و حاکم آن جامعه در مسیر عدالت باشد و در زندگی فردی و اجتماعی عدالت را پیشه خود سازد. از این رو قرآن با تکیه بر همین اصل، مأموریت اجرای عدالت را از رهبر آن خواستار شده (سوره شوری آیه ۱۵) و به او فرمان می‌دهد که این مأموریت را هم به مردم اعلام کند (سوره اعراف آیه ۲۹). پایداری حکومت منوط به عدل و دوری از ظلم است. امام موعود به عنوان رهبر معصومی که تحقق بخش عدالت در سراسر جهان خواهد بود در بالاترین درجه عدالت قرار

دارد و روش و منش او کاملاً بر عدالت منطبق است (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۵۷).

۲) انقلاب امام زمان (علیه السلام) تنها در امور طبیعی یا اجتماعی نیست بلکه نوعی بازسازی جامعه بشری است. در آن زمان با ظهور حقایق، بشر از پراکندگی فکری و فلسفی و فرهنگی رهایی یافته و دین یا همان جهان بینی فلسفی واقعی برای مردم آشکار خواهد شد، فرهنگ آن‌ها رشد یافته و عقل و شعور بشری تکامل خود را به دست خواهد آورد. در حدیث آمده که خداوند با ظهور امام زمان (علیه السلام) عقول مردم را کامل خواهد کرد و آن‌ها را به آرزوهایشان خواهد رسانید. وقتی عدالت حقوقی (اجتماعی) دوران امام زمان (علیه السلام) را با آن چه که مزورانه و پوچ در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌ها و مقررات دیگر آمده مقایسه کنیم تفاوت هویدا خواهد شد (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۵۷).

۳) در حکومت امام زمان (علیه السلام) همه حقوق حقه و طبیعی موجود و در حال اجرا ابقا خواهد شد و نقص آن مقررات ملی و جهانی با وضع مقررات جدید الهی کامل خواهد گردید. عدالت اجتماعی (چه در سطح کوچک و ملی و چه در سطح جهانی و منطقه‌ای) به خوبی به مرحله عمل و اجرا خواهد رسید. ممکن است تکامل فکری و فرهنگی مردم جهان که در حدیث از آن به کمال عقول بشر (و نه تنها مسلمانان) تعبیر شده سبب شود که خود مردم جهان داوطلبانه و خود به خود، مرزهای سیاسی - فرهنگی و نژادی را بردارند حکومت الهی امام زمان (علیه السلام) مسلماً با این درخواست مردم موافقت خواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۲۷).

۴) اصولی مثل هم زیستی برادرانه، اصل احترام به اراده انسان و اصل مصلحت در اسلام و حکومت مهدی (علیه السلام) پذیرفتنی است و اگر خیر و مصلحت خود مردم به سبب اختلافات طبیعی و جغرافیایی (نه نژادی و عقیدتی) در نوعی استقلال به صورت حکومت یا دولتی تابع اصول عام اسلامی باشد، شاید بعضی از دولت‌ها باقی بمانند ولی بر حسب ظاهر روایات، بشر در یک تحول و تجربه در آن دوران به جایی خواهد رسید که زیر بار هیچ حکومتی - به هر شکل - جز حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) نخواهد رفت (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۵۷).

۵) در حکومت و دولت حضرت مهدی (علیه السلام) نژاد پرستی جایگاهی ندارد و دعوت حضرت بر اساس احکام اسلام است و اسلام هم نژاد پرستی را به طور صریح نفی می‌کند

(سوره حجرات آیه ۱۳). اسلام دین عموم مردم در عصر ظهور است و اختصاص به قوم و دسته خاصی ندارد (سوره سبأ آیه ۲۸). اسلام ملاک‌های جدیدی را برای برتری جوئی قرار داده است که هیچ ارتباطی با نژاد پرستی و عنصرت ندارد:

- علمقل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون (سوره نسا آیه ۹۶-۹۵)
- تقوا ان اکرمکم عند الله اتکم

- جهاد لا یستوی القعدون من المومنین غیر اولی الضرر و المجهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجهدین باموالهم و انفسهم علی القعدین درجه و کلاً وعد الله الحسنی و فضل الله المجهدین علی القعدین اجرا عظیماً* درجت منه و مغفره و رحمه و کان الله غفوراً رحیماً.

دعوت حضرت مهدی (علیه السلام) و دولت او جهانی است و این نوع دعوت با نژاد پرستی سازگاری ندارد و دولتشان دولتی متعادل و مخالف با نژاد پرستی است و به سیره حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) عمل خواهند نمود و سیره حضرت رسول صلی الله علیه و آله هم هرگونه نژادپرستی را نفی کرده است.

۶) پیشرفت‌ها در عصر ظهور معلول عواملی است که یکی از آن‌ها وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص است او فقط وابسته به خداست و به همه ملت‌ها، جمعیت‌ها و نژادها با چشم مهربانی و برابری نگاه می‌کند و فرقی بین اقوام و قبائل قائل نیست. رهبران الهی وابسته به جمعیت خاصی نیستند و خود را وابسته به خدایی می‌دانند که خالق و رازق همه است و هدفشان آسایش عمومی، آزادی گسترده و تشکیل یک سازمان عدل الهی است که در سایه آن بشر مانند افراد یک خانواده زندگی کنند و سفید و سیاه با هم برابر و برادر باشند. سرانجام اداره امور جهان در کف با عنایت صالح‌ترین افراد بشر قرار خواهد گرفت و به برکت وجود آن حاکم معصوم الهی، بشریت از آسیب ظلم و ستم نجات یافته و از ترس فقر، پریشانی، نا امنی‌های گوناگون و بی‌عدالتی‌ها آزاد خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۴۶-۳۴۴). در جهان امروز جهان‌خواران ظلم و فساد را اشاعه داده‌اند و دنیا را مملو از بی‌عدالتی کرده‌اند که این امر بی‌شک ظهور منجی عالم بشریت را بشارت می‌دهد. به اعتقاد شیعه عدالت واقعی و حقوق بشر تنها توسط امام زمان (علیه السلام) در جهان محقق خواهد شد و همه ما باید خود را برای این موضوع آماده نماییم. تفاوت حقوق بشر مهدوی با نوع غربی آن:

- حقوق بشر مهدوی جهان شمول است و تمام انسان‌ها را شامل می‌شود.

- اولویت مند است.

- تخلف ناپذیری

- اختلاف ناپذیری

و این چنین حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) بر پا خواهد شد و تمام حکومت‌های امروزی را باطل خواهد کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۴۶-۳۴۴).

۶. مبانی دکترین مهدویت در حقوق بشر

آیا حقوق انسان، کرامت انسانی، عدالت، برابری، دفع ظلم، تبعیض، دفع فقر و محرومیت و دیگر آرمان‌ها در اعلامیه حقوق بشر، غیر از آرمان منتظران ظهور منجی آخرالزمان به طور عام و منتظران حضرت مهدی (عج) به طور خاص است؟

بنابر معناشناسی مهدویت، همه مفاهیم ارزشی در اعلامیه حقوق بشر مانند کرامت انسان، آزادی، برابری و تساوی انسان‌ها در حقوق و عدالت فراگیر در همه زمینه‌های فرهنگی، قضایی، اقتصادی و ریشه‌کن شدن ظلم و تبعیض و فقر، از ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج) به شمار می‌روند و روایات بسیاری در این باره وجود دارد. با وجود این، اعلامیه حقوق بشر به مسئله مهم توحید و خداپرستی که از آرمان‌های اصلی انقلاب حضرت مهدی (عج) به شمار می‌آید، نپرداخته است. خداپرستی آرمان همه انبیای عظام و اوصیای کرام آنان به شمار می‌رود: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ». پس مهدویت تحقق بعثت آرمان‌های مثبت اعلامیه جهانی حقوق بشر است. اما حکومت حضرت مهدی (عج) بر اعلامیه جهانی حقوق بشر برتری دارد؛ زیرا حضرت با تشکیل حکومت جهانی، آرمانی را به واقعیت تبدیل می‌کند که اعلامیه تاکنون تنها به صورت توصیه‌ای بدان پرداخته است. آن حضرت بی‌اجبار و تهدید عقل‌های مردم را بالا می‌برد، یعنی دانش و بینش بشر را تعالی می‌بخشد و عقل‌های آدمیان را بر هواهای آنان غالب می‌کند و ستم‌گرانی را که مانع اجرای عدالت هستند، با قدرت از سر راه برمی‌دارد و مستضعفان را حاکم می‌کند، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» و خواستیم بر کسانی که در

آن سرزمین فرودست شده بودند، منت نهمیم و آنان را پیشوایان [مردم] قرار دهیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم. وعده خدا هنوز محقق نشده است. بنابر سنت خداوند مستضعفان، حاکمان زمین خواهند شد. از نظر فلسفی، ظلم و بی‌عدالتی امری قسری و برخلاف سرشت انسان و قانون الهی است. بنابراین، نباید همیشگی باشد، بلکه باید زایل شود؛ حکومت حضرت مهدی (عج) پایان‌دهنده ظلم و بی‌عدالتی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۴۶-۳۴۴). همه آرمان‌های نیک و پسندیده در اعلامیه حقوق بشر، در حکومت حضرت مهدی (عج) به گونه جهانی محقق خواهد شد، اما نه با حکومت ظالمان، استعمارگران، استثمارگران و دولت‌های ستم‌پیشه، بلکه به دست موعود الهی تا منتظرانش به او بپیوندند. یهودیان، زرتشتیان و انسان‌های پاک‌فطرت هم آرمان خود را در او می‌یابند و مطلوب خویش را در او می‌بینند.

امروز در نام او اختلاف دارند، اما وقتی خورشید حقیقت آشکار شود و ندای عدالت‌گستری همه مرزهای فکری و جغرافیایی را درنوردد، مستضعفان، مظلومان و حقیقت‌جویان به او ایمان خواهند آورد. آن‌گاه او با پشتوانه الهی، نبرد مجاهدان و حمایت مردم برای ایجاد حکومت عدالت‌گستر جهانی قیام می‌کند و دریچه جدیدی در تاریخ بشر می‌گشاید و به انسان‌ها حیات تازه‌ای می‌بخشد. حال آیا در حکومت حضرت مهدی (عج) همه انسان‌ها یا تنها مؤمنان کرامت دارند؟ قرآن کریم نخستین بار به کرامت انسان اشارت فرمود؛ آن زمان که فقط قدرت سرنیزه مطرح بود و قبیله و نژاد اصالت داشت: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ».

آن‌گاه که خدای سبحان فرزندان آدم (ع) را اکرام فرمود، زمین را مسخر آنان گردانید تا هر انسانی با هر رنگ، نژاد و مذهبی از آن بهره‌مند شود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ملت و قبیله‌قبیله گردانیدیم، تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارج‌مندترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است. دگر بار در قرن چهاردهم کرامت انسان در اعلامیه جهانی حقوق بشر تصویب شد. متفکران مسلمان چند سال بعد در اعلامیه اسلامی حقوق بشر کرامت انسان را تأیید کردند، با این تفاوت که اساس برادری بشر را بندگی آنان در برابر خداوند و فرزندی حضرت آدم برشمردند و یاد آوردند که همه مردم در اصل کرامت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۴۶-۳۴۴).

بند دوم ماده يك این اعلامیه، همه انسان‌ها را عائله خداوند برمی‌شمرد و محبوب‌ترین آنان در نزد خدا را سودمندترین آنان به هم‌نوع خود یاد می‌کند. بنابراین اعلامیه، هیچ کس بر دیگری برتری ندارد، مگر به تقوا و کار نیکو. بند ششم اصل دوم قانون اساسی نیز جمهوری اسلامی را نظامی بر پایه ایمان، کرامت، ارزش والای انسان و آزادی همراه با مسئولیت در برابر خداوند می‌داند. بنابراین، از نگاه حقوق بشر، انسان به سبب کرامتش حق حیات دارد و او را نمی‌توان کشت و از نظر قرآن قتل نفس حرمت دارد و به منزله کشتن همه انسان‌هاست، مگر برای قصاص یا وقتی فساد بر زمین برانگیخته باشد. حال آیا می‌توان پنداشت که انسان در اسلام و حکومت حضرت مهدی (عج) دارای کرامت نباشد؟

قرآن می‌فرماید: «حتی مشرکی را که با اسلام عناد ندارد، نمی‌توان کشت.» خداوند در سوره توبه، شدیدترین آیات درباره مشرکان مکه و قریشیان معاند حق و حقیقت، می‌فرماید: «اگر مشرکی به تو پناه آورد تا از دین تو آگاه شود و حقیقت را دریابد، او را پناه ده تا کلام خدا را بشنود.» و در ادامه نمی‌فرماید که اگر ایمان نیاورد، او را گردن بزن، بلکه می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»؛ ... سپس او را به مأمن و منزلش برسانید؛ زیرا این مشرکان مردمی نادانند. علامه طباطبایی درباره این آیه می‌فرماید: این نهایت مرتبه مراعات اصول فضیلت (اخلاقی) و حفظ کرامت (انسانی) و انتشار رحمت و رأفت و شرافت انسانی است که قرآن کریم آن را معتبر شمرده است و این آیه محکمی است که منسوخ نمی‌شود. آری، مشرک محبوب خدا نیست، ولی براساس رحمت عام خداوند حق حیات دارد.

آیا در حکومت حضرت مهدی (عج) مشرکی در روی زمین باقی می‌ماند؟ براساس روایات، حضرت دستی بر سر مردم می‌کشد و عقلشان را کامل می‌کند و انسان عاقل حقیقت را می‌فهمد و به آن اقرار می‌کند؛ چون شرک از روی جهل است و حضرت مهدی (عج) هم عقل‌ها را بیدار می‌کند و دانش، دانایی و آگاهی آنان را بالا می‌برد تا کسی در برابر حقیقت جاهل نباشد. بدیهی است که انسان‌های تشنه حقیقت وقتی چراغ حقیقت را روشن یافتند، از نور آن بهره‌مند می‌شوند، مگر کسانی که دشمن آن باشند و مانع اجرای حق و عدل شوند که در این صورت، با قدرت ربانی آن حضرت نابود می‌گردند.

بنابر باور نویسنده، شرکی در آخرالزمان نمی‌ماند و انسان‌های پاک‌فطرت در برابر حق خاضع

می شوند. البته همه مردم در تقوا و دیگر فضایل اخلاقی و انسانی در يك سطح نخواهند ماند، بلکه برخی بر برخی دیگر پیشی می گیرند و نزد خدا کرامت می یابند، اما از نظر حقوق شهروندی و در برابر قانون، همه انسان ها با هم برابرند و فقر و ظلم و تبعیض برچیده خواهد شد، مانند حکومت پیامبر گرامی اسلام (ص) و حکومت امیرمؤمنان (ع).

حضرت علی (ع) به مالک اشتر می فرماید: و أشعر قلبك الرحمة للرعيّة والمحبّة لهم واللفظ بهم... فإنهم صنفان إما أخ لك في الدين وإما نظير لك في الخلق...؛ ای مالک! در قلبت با همه شهروندان مهربان باش؛ زیرا آنان یا هم دین تو هستند یا هم نوع تو.

پس حق شهروندی بر کرامت ذاتی انسان استوار است و کرامتی که براساس تقوا برای برخی آدمیان به دست آید، موجب برتری و تبعیض در حقوق شهروندی نمی شود. آن گاه که امیرمؤمنان علی (ع) به حکومت رسید، امتیازاتی را لغو کرد که در زمان دو خلیفه پیش براساس شرکت در جهاد، صحابی بودن و عرب بودن برای افراد ایجاد شده بود. ایشان به همه افراد جامعه از بیت المال يك سان حقوق می پرداخت. ایشان درباره پیرمردی نصرانی که در جامعه اسلامی تکی می کرد، دستور دادند از بیت المال به او حقوق بدهند و فرمود: «آن زمان که توانا بود، از نیروی او بهره بردید و حال که ناتوان شده، از کمک به او خودداری می کنید؟ بروید و از بیت المال خرجی او را تأمین سازید!» (رحمتی فر و گنجعلی دارانی، ۱۳۹۹: ۶۷). هم چنین، وقتی شنید مردی از هواداران معاویه خلخال از زنی مسلمان و دیگری دستار از اهل کتاب به ستم رבוده و امنیت آنان را برهم زده، فرمود: «اگر مرد مسلمان بعد از این حادثه از اندوه بمیرد، سرزنش ندارد!». حضرت مهدی (عج) بنابر سیره جدش رسول خدا (ص) و امیرمؤمنان (ع) حکم خواهد راند. او هم چون پدری مهربان برای همه انسان ها، همه آدمیان را از کرامت انسانی بهره مند خواهد فرمود. او می آید تا هم چون جدش رسول خدا، مکارم اخلاق را کامل کند، شهرها را آباد سازد، بندگان خدا را حیاتی دوباره بخشد، حق را استوار سازد، باطل را نابود کند، دادرس مظلومان و یاور بی کسان باشد، احکام بر زمین مانده خدا را زنده و سنت پیامبر و نشانه های دین را اجرا کند. همه این موارد پاس داری از کرامت انسان است. به امید آن روز (کتابی و ایزدی اودلو، ۱۴۰۰: ۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده مشخص شد که آنچه که در مراجعه به منابع دکتربین مهدویت در خصوص کرامت ذاتی انسانی درمی یابیم، با دستاوردهای حقوق بشر یکسان است. اما آنچه که دکتربین مهدویت بر آن تأکید بیشتری داشته‌اند، کرامت ارزشی یا اکتسابی بشر می‌باشد، که نویسندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر جهت جلوگیری از بوجود آمدن اختلاف با دیدگاه کشورهای سکولار از قید این که این حقوق از جانب خداوند به انسان واگذار شده است، پرهیز کردند. در هر صورت نقطه توجه در این تحقیق کرامت ذاتی انسان در این دو آموزه بود، که با توجه به دلایل و مستندات ارائه شده، به نظر می‌رسد جامعه ایده آلی که در سایه حفظ و حراست از کرامت انسانی در آموزه حقوق بشر به تصویر کشیده شده است، تفاوت چندانی با مدینه فاضله اسلام نداشته باشد. جامعه‌ای که در آن از فقر و ترس خبری نیست و به کرامت انسانی به بهترین صورت ارج نهاده می‌شود. همانطور که بیان شد رفتارهای غیرانسانی از مسائلی است که امروزه به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی موازین بین المللی حقوق بشر به شمار آمده و مبارزه و تلاش در جهت منع اجرای این نوع رفتارها به شکل وسیعی در سراسر جهان مورد توجه می‌باشد. به طوری که مخالفان اجرای اینگونه رفتارها نسبت به موافقین در اکثریت بوده و چه بسا که دلایل آنان نیز از مقبولیت بیشتری در جامعه جهانی برخوردار شده است. در اندیشه «مهدویت»، عقایدی هم چون ظهور منجی بشریت، حضرت مهدی (عج) و حاکمیت دین واحد در میان مردم و تبدیل ترس و هراس بشر به امنیت و آسودگی و رفاه و نابودی ظلم و جور و تحقق عدالت، وجود دارد. آنچه که «مهدویت» را جهان‌شمول و هیجان برانگیز و آرمان‌ساز نموده است، اعتقاد به تحقق حقوقی چون برابری و مساوات و عدالت و امنیت و آسودگی است. حقوقی که بر پایه «کرامت انسان» از بدو خلقت تاکنون برای هر فرد متصور است ولی استثمارگران و ستم‌گران اجازه نداده‌اند تا برای همه تحقق یابد. حقوقی که در ۳۰ ماده اعلامیه حقوق بشر روی کاغذ آمد و توسط مجمع عمومی سازمان ملل، به منزله آرمان مشترکی برای تمام مردم و همه ملل اعلام شد تا جمیع افراد و کلیه ارکان اجتماع این اعلامیه را در نظر داشته باشند و مجاهدت کنند تا این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد. اما مجمع هرگز موفق نشد که این آرزوها را محقق سازد. در زمینه جهانی سازی مهدویت می‌توان بیان کرد که با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که بر خلاف پندار عده‌ای جهانی شدن هم‌زاد انسان بوده است

و ادیان الهی هم به دنبال پیاده کردن حکومت الهی بوده‌اند و علت اصلی عدم تحقق آن فراهم نشدن شرایط بوده است. جهانگیران و فاتحان جهان هم به دنبال استقرار یک حکومت جهانی در راستای اهداف مادی خود بوده‌اند. اما جهانی شدن که امروزه از طرف منادیان غربی و برخی از طرفداران اقویایی که آنها در تلاش تحقق آنها در تلاش تحقق آن هستند تفاوت‌های ذاتی و بنیادین با مهدویت اسلامی دارد. گرچه در جهانی شدن اسلامی مهدویت علم هم به خدمت گرفته می‌شود ولی نه در جهت غارت. چپاول و تباهی جامعه جهانی بلکه برای تعالی و رفاه جامعه به عبارت دیگر جهانی شدن را اگر به منزله در نظر بگیریم ارزش این ظرف به محتوای آن بستگی دارد، اگر محتوایی از فرهنگ سکولاریستی و اومانیستی غرب گرفته باشد محتوای آن با مظروف شدن دینی در این جهانی شدن فرق می‌کند. هم‌چنین می‌توان به طور خلاصه اشاره نمود که مهم‌ترین مولفه‌های جهانی سازی مهدوی شامل ۱. رشد عقلانیت، ۲. گسترش آبادانی و پیشرفت، ۳. رشد و پیشرفت علوم، ۴. تحقق عدالت می‌باشد.

در نتیجه بررسی مبانی دکترین مهدویت در حقوق بشر می‌توان بیان کرد که هیچ‌یک از افراد انسان، در عصر ظهور از شمول «حقوق بشر» خارج نیست. در اعلامیه حقوق بشر، اموری مانند: حق برابری در برابر قانون و دادگاه، حق عدالت ف حق امنیت اجتماعی و شخصی، حق آزادی مذهب و آزادی بیان، حق مالکیت، حق مشارکت، حق شغل، حق استراحت و سلامتی و رفاه، حق آموزش و پرورش از حقوق مسلم و عمومی انسان تلقی شده است. هم‌چنین جهان‌شمولی حقوق بشر در عصر ظهور به این معناست که برابری و مساوات در برابر قانون و عدالت و امنیت و مشارکت، همه زندگی مردم را در بر می‌گیرد و آنچه در ظرف ذهن برای بشر اثبات می‌شد، اکنون در عالم خارج برای عموم انسان‌ها تحقق می‌یابد. اخبار بشارت ظهور در کتب اهل سنت بر اموری چون حق عدالت، حق برابری و مساوات در برابر قانون و محکمه، حق آموزش و پرورش، حق مشارکت، حق استراحت و سلامتی و رفاه، حق امنیت اجتماعی، تصریح دارد. در اخبار بشارت ظهور در اناجیل چهارگانه، اموری چون حق سعادت، حق برابری و مساوات در برابر قانون، حق عدالت و حق مشارکت، بیان شده است. اعتقاد به مهدی (عج) تنها نشان‌گر یک باور اسلامی، با رنگ خاص دینی نیست بلکه افزودن بر آن عنوانی است برای خواسته‌ها و آرزوهای همه انسان‌ها با کیش‌ها و مذاهب گوناگون و هم‌چنین بازده الهام فطری مردم است که با همه اختلاف‌هاشان در عقیده و مذهب دریافته‌اند

که برای انسانیت در روی زمین روز موعودی خواهد بود که با فرا رسیدن آن هدف نهائی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد و مسیر آن در طول تاریخ پر از فراز و نشیب و پرت‌گاه بوده به دنبال رنجی بسیار همواری و استواری لازم را می‌یابد. انتظار آینده‌ای این چنین تنها در درون کسانی که با پذیرش ادیان جهان غیب را پذیرفته‌اند راه نیافته بلکه به دیگران نیز سرایت کرده است تا آن‌جا که می‌توان انعکاس چنین باوری را در مکتب‌هائی که جهت‌گیری اعتقادی‌شان با سرسختی وجود غیبت و موجودات غیبی را نفی می‌کند دید..

منابع

۱. قران کریم.
۲. ابراهیم، علیرضا (۱۳۹۱). مهدویت در اسلام و دین زرتشت، تهران: انتشارات مرکز باز شناسی اسلام و ایران، چاپ نخست.
۳. ارفعی، عالیه (۱۳۷۲). حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین المللی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول.
۴. پور سید آقایی، مسعود (۱۳۸۰). «مبانی اعتقادی مهدویت»، فصلنامه‌ی انتظار، شماره ۱.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). انتظار بشر از دین، قم: انتشارات اسراء، چاپ هفتم
۶. راسل، برتراند (۱۳۹۹). تأثیر علم بر اجتماع، ترجمه، محمود حیدریان، تهران: انتشارات بابک، چاپ نهم
۷. ربانی، محمدباقر (۱۳۹۶). جهانی شدن، تنوع یا وحدت فرهنگی جامعه جهانی مهدوی، قم: انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ پنجم
۸. رحمتی فر، سمانه و گنجعلی دارانی، مهرداد (۱۳۹۸). «تسهیلگری: روش آموزش حقوق بشر»، فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۸(۲)، صص ۸۲-۶۱.
۹. زمانی، سیدقاسم؛ وکیل ارساد و عسگری، پویا (۱۳۸۶). نهادها، سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی.
۱۰. شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۷). حقوق بشر، نظریه‌ها و رویه‌ها، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
۱۱. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۹۰). بشارات عهدین، انتشارات شکرانه، تهران: چاپ نخست.
۱۲. صمدی، قنبرعلی (۱۳۹۴). گفتمان جهانی مهدویت و آینده بشر، چاپ اول، قم، انتشارات جمکران.
۱۳. ظهیری، سید مجید (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی مبانی دکتترین مهدویت و نظریه سیاسی پایان تاریخ، مجموعه‌ی آثار دومین همایش بین المللی دکتترین مهدویت، مقالات برگزیده ۲، قم: انتشارات مؤسسه‌ی آینده روشن، چاپ نخست
۱۴. کتابی، امیرعلی و ایزدی اودلو، عظیم (۱۴۰۰). «حقوق جهانی بشر در اسلام و مقایسه و تطبیق آن با حقوق بشر غرب از دیدگاه علامه جعفری»، فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰(۴).

۱۵. محمودی کیا، محمد (۱۴۰۰). «بررسی مقایسه‌ای تعارضات هنجاری و گفتمانی نظام حقوق بشری اسلامی با نظام حقوق بشر اروپایی»، فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰(۴).
۱۶. مرتضی مطهری (۱۳۹۷). مجموعه آثار، جلد شانزدهم، تهران: صدرا، چاپ دوازدهم.
۱۷. مرون، تنودور (۱۳۸۲). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، ترجمه سلاله حبیبی امین، تهران: گرایش.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران: انتشارات صدرا، چاپ سی و چهارم.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد دوم، تهران: انتشارات صدرا، چاپ بیست و دوم.
۲۰. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). پیام‌قرآن، جلد ۱۰، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۲۱. منتظری، حسینعلی (۱۳۹۴). رساله حقوق، تهران: انتشارات سرایی، چاپ هشتم.
۲۲. موسوی گیلانی، سیدرضی (۱۳۹۴). دکترین مهدویت، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
۲۳. مهرپور، حسین (۱۳۹۸). نظام بین‌المللی حقوق بشر. چاپ نهم، تهران: انتشارات اطلاعات
۲۴. والاس، ربکا (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل، ترجمه قاسم زمانی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ ششم.
۲۵. هاشمی میاندرستی، نرجس، (۱۳۹۵). «مقایسه حکومت جهانی مهدی (عج) و دموکراسی رادیکال»، همایش بین‌المللی دکترین مهدویت.